

بررسی فقهی تعدد افراد در نیابت

سید تقی واردی*

چکیده

تعدد نیابت در حج، به دو صورت منوب‌عنه و نایب می‌باشد؛ اگر نایب فرد واحد و منوب‌عنه بیش از یک نفر باشند، از جهت تکلیفی صورت‌های مختلفی دارد. در حج مندوب و عمره مفرده، به دلیل خاص، نیابت از چند منوب‌عنه جایز است. در حج مندوب تفصیل است بین جایی که چند نفر به صورت مستقل نذر کرده باشند، حج باطل است و جایی که به صورت جمعی نذر کرده باشند، انجامش جایز است. در حجت‌الاسلام و حج افسادی جایز نیست.

از جهت وضعی، قرارداد دوم و بالاتر باطل است و باید اجرت را برگرداند. اما اگر منوب‌عنه واحد، و نایب متعدد باشد در جایی که اعمال منوب‌عنه مختلف باشد، انجام نیابت برای همه آنان جایز است؛ اما اگر عمل منوب‌عنه یکی باشد، بین حج مندوب و حج واجب تفاوت است. در حج مندوب نیابت همه صحیح است. در حج واجب، دو قول است: یکی صحت نیابت. دیگری صحت عمل مشروط بر آنکه همزمان به پایان رسد.

واژگان کلیدی: نیابت، حج، عمره، تعدد نایب، تعدد منوب‌عنه، اقسام حج.

*. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مدیر گروه سازماندهی اطلاعات و مدارک پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی. waredi@gmail.com

یکی از بحث‌های کاربردی در نیابت حج، بحث تعدد نیابت است؛ به این معنا، آیا حج - اعم از واجب و مندوب - ظرفیت تعدد و تکثیر در مورد واحد را دارد، یا نه؟ تعدد نیابت در دو صورت امکان تحقق دارد:

یکی تعدد منوب‌عنه، یعنی نایب شخص واحد باشد، ولی منوب‌عنه بیش از یک نفر باشد.

دیگری بالعکس؛ یعنی منوب‌عنه واحد باشد، ولی نایب بیش از یک نفر باشد. در هر کدام از آن دو، از دو جهت باید مورد بررسی قرار گیرد: یکی از جهت حکم تکلیفی و دیگری از جهت حکم وضعی. با توجه به اینکه حج به دو دسته اصلی «واجب» و «مستحب» تقسیم می‌گردد و واجب، گونه‌های مختلفی چون حجة الاسلام، حج نذری و حج افسادی را شامل می‌گردد و هر کدام از آنها می‌تواند به یکی از دو نحوه اجاره‌ای و تبرعی انجام گیرد. این مسئله می‌تواند فروع فقهی متعددی پیدا کند که درباره هر یک از آنها پژوهش مبسوطی به عمل آید.

جایگاه این بحث، در فقه الحج است که مورد نیاز تخصصی فقها، متخصصان دانش فقه و حج پژوهان و در مراتب پایین‌تر، دست‌اندرکاران حج و عمره و کارگزاران این فریضه الهی می‌باشد.

این بحث از آن جهت اهمیت دارد، که از جهت تئوری مبانی فقه‌های عظام در بحث تعدد منوب‌عنه و یا تعدد نایب شناسایی و مورد بررسی قرار می‌گیرد و از جهت عملی، هم در بُعد تکلیفی و هم در بُعد وضعی، وظایف نایب و منوب‌عنه و اعمال انجام گرفته روشن می‌گردد.

با توجه به این که پژوهش مبسوطی در قالب مقاله و کتاب، در این مسئله انجام نگرفته است، جای آن در مقالات تخصصی فقه حج خالی است و انجام آن برای پُر کردن جالی خالی آن در بین مباحث حج، ضروری می‌باشد.

این پژوهش که به صورت کتابخانه‌ای و استدلالی است، مباحث مربوط به تعدد نیابت را در دو بخش ذیل (تعدد منوب‌عنه و تعدد نایب) مورد بررسی قرار می‌دهد:

تعدد منوب عنه

یکی از بحث‌های مورد ابتلا در نیابت حج این است که آیا یک عامل در موسم واحد می‌تواند برای بیش از یک نفر نیابت کند مثلاً یک حج انجام دهد و آن را برای چند منوب عنه محاسبه کند؟ البته این پرسش از دو جهت باید مورد توجه قرار گیرد: یکی از جهت جواز و عدم جواز اصل عمل؛ دیگری استحقاق اجرت توسط نایب که ذیل چند فرع بیان می‌گردد:

۱. تنقیح مسئله

پیش از پرداختن به نظرات فقهای عظام، لازم است موضوع این مسئله را از این جهت تنقیح کنیم که آیا مراد از حج در این مسئله، تمام انواع و اقسام آن است، یا برخی از آنها؟ آن گونه که از کلام فقهای عظام برمی‌آید، مراد از حج، حج واجب است؛ اما حج مندوب و عمره مفرده از بحث ما خارج می‌باشند؛ زیرا همه فقهای شیعه در نیابت از افراد متعدد در یک عمل، چه در حج مندوب و چه در عمره مفرده، به خاطر وجود دلیل خاص، حکم به جواز نموده و در این حکم اتفاق نظر دارند. به همین جهت در کتاب شریف وسائل الشیعه، بابی به نام «باب جواز التشریک بین اثنین، بل جماعة کثیرة فی الحجة المندوبة» گشوده شده است، و روایاتی در آن نقل شده است. (شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۲۰۲)

همچنین در حج واجب، مراد از آن، حجة الاسلام و حج افسادی (اعم از حج تمتع، حج قران و حج افراد) می‌باشد؛ اما در حج مندوب نیز بین فقهای عظام اختلافی نیست و همگی در حج مندوب تفصیل قائل شده‌اند. به این معنا که اگر حج مندوب افراد به طور مستقل باشد، مثلاً دو نفر مستقلاً نذر کنند که حج انجام دهند، بی تردید یک نایب نمی‌تواند در موسم واحد از هر دوی آنها نیابت کند؛ زیرا نیابت از چند نفر خلاف اصل است و دلیلی برای جواز آن، مگر برای حج و یا عمره مندوب نیست. اما اگر نذر افراد به صورت جمعی باشد، مثلاً به صورت مشترک نظر کنند که اگر تهاجم

دشمن به آنان آسیبی وارد نکنند، آنان هزینه یک حج را بر عهده گیرند، به این صورت که یکی از آنان و یا فرد دیگری به نیابت از آنان، حج به جا آورد، گرچه فرض آن نادر است، ولی ممکن الوقوع است و نظر فقهای عظام بر این است که در چنین موردی، یک نایب می تواند نیابت همه آنها را بر عهده گرفته و نذر مشترک آنان را به انجام رساند؛ (صاحب جواهر، ۱۳۶۷ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳؛ یزدی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۳۶؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۱۴۲) زیرا هنگامی که وجوب حج بر آنان به طور مشترک باشد نه مستقل، مانعی برای نیابت فرد واحد از آنان نیست؛ زیرا یک نایب می تواند به متعلق نذر عمل کند. شبیه همین قول از امام خمینی رحمته الله علیه نیز نقل شده است. (امام خمینی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۳۹۶)

۲. اقوال فقها

اقوال فقها در تعدد منوب عنه در حجة الاسلام و حج افسادی را باید در دو فرع بررسی کرد:

۱-۲. از جهت تکلیفی

به این معنا آیا یک نایب می تواند نیابت چند منوب عنه را در سال واحد بر عهده گیرد؟ فقهای عظام بر اینکه اگر نیابت از حج، مشروط به سال معین و مباشرت نایب باشد، جایز نیست و اگر انجام دهد، باطل است اجماع دارند. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۱؛ آل عصفور بحرانی، ۱۴۲۱ق، ۱۴، ۲۷۵؛ یزدی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۳۶؛ امام خمینی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۳۹۶)

صاحب جواهر در این باره می نویسد: «مخالفی برای قول به عدم صحت نیافتیم، بلکه هر دو قسم اجماع (منقول و محصل) برای بطلان عمل وجود دارد. در نتیجه، اگر از نایب چنین عملی واقع شود، عمل وی کلاً باطل است؛ یعنی از آنجایی که قابلیت توزیع بین دو منوب عنه و بیشتر را ندارد، برای هیچ یک از منوب عنهم واقع نمی شود.

حتی برای یکی از آنان نیز صحیح نیست؛ زیرا دلیلی بر ترجیح یکی بر دیگری وجود ندارد. همچنین برای خود نایب نیز محسوب نمی‌شود؛ چون آن را قصد نکرده بود.» (صاحب جواهر، ۱۳۶۷ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳)

البته مراد صاحب جواهر آن است که نایب، اعمال حج را برای بیش از یک نفر انجام دهد؛ اما اگر اعمال حج را تنها برای منوب‌عنه اول انجام دهد، صحیح است و موجب برائت ذمه منوب‌عنه می‌گردد. به همین جهت، شهید اول معتقد است: «اگر کسی نایب را برای حج سال معین اجاره کند، ولی بعدها کسان دیگر نیز وی را اجاره کنند، نیابت نایب برای منوب‌عنه اول صحیح است؛ اما اگر دو اجاره همزمان واقع شوند و همزمان انجام گیرند، هر دو باطل می‌باشد.» (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱)

به هر روی، این مسئله مورد اجماع فقهای عظام است که اگر نایب، اعمال حج بیش از یک منوب‌عنه را در سال معین انجام دهد، عمل او باطل است.

۲-۱. دلیل فقها در حکم تکلیفی

دلیل اصلی این قول، آن است که یک حج واجب، قابلیت توزیع بین دو نفر و یا بیشتر را ندارد. به همین جهت ممتنع است که یک حج واجب برای دو نفر و یا بیشتر انجام گیرد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۱؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۷ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳) همان گونه که در قضای نماز واجب و روزه واجب میت این چنین است که اجیر، یک نماز واجب را تنها می‌تواند برای یک متوفای انجام دهد، نه بیشتر. بنابراین، در حجة الاسلام و حج افسادی، نایب نمی‌تواند نیابت بیش از یک نفر را بر عهده گیرد؛ زیرا ذمه وی نسبت به منوب‌عنه اول مشغول شده است و جایی برای منوب‌عنه دوم و سوم باقی نمی‌ماند؛ مگر اینکه منوب‌عنه اول از استنابه خودش در آن سال صرف نظر کند.

۲-۲. از جهت وضعی

اما از جهت وضعی، یعنی درباره استحقاق یا عدم استحقاق اجاره، همه فقهای عظام متفق هستند که اگر کسی قرارداد اجاره نیابت با بیش از یک منوب‌عنه منعقد کند، در

صورتی که در آنها سال معین و مباشرت نایب شرط شده باشد، قرارداد دوم و بالاتر، باطل است؛ (صاحب جواهر، ۱۳۶۷ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۵۱) یعنی تنها استحقاق اجرت حج منوب عنه اول را دارد و از منوب عنه دوم و بالاتر چنین استحقاقی ندارد و اگر وجهی گرفته باشد، نسبت به آنها ضامن است.

اما اگر عقد نیابت برای بیش از یک منوب عنه را همزمان انجام دهد، مثلاً در عقد واحد، نیابت حج زوج و حج زوجه در سال معین را متعهد شده باشد، مستحق هیچ یک از آن دو نیست.

۲-۱. دلیل فقها در حکم وضعی

دلیل این گفتار نیز آن است که اجیر بعد از اشتغال به انجام کار منوب عنه اول، قدرت بر انجام کار منوب عنه دیگری را ندارد و در نتیجه نمی تواند طبق قرارداد دوم عمل کند، بدین جهت عقد بعدی وی باطل است. (صاحب جواهر، ۱۳۶۷ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳؛ یزدی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۹)

اما آیت الله خویی، عدم الدلیل را دلیل این گفتار دانسته است. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۵۱)

البته این بحث مربوط به جایی است که بین دو عقد اجاره، تقدم و تأخری در بین باشد. اما اگر دو عقد اجاره همزمان انجام گیرد و هیچ کدام بر دیگری تقدم و تأخر نداشته باشد، در این صورت هر دو عقد باطل خواهند بود؛ زیرا انجام آن دو عمل از قدرت یک نایب خارج است و ترجیح یکی بر دیگری نیز بلا دلیل می باشد. در مقابل، اگر دو عقد همزمان منعقد گردد، ولی مشروط به عدم مباشرت نایب باشد و یا از جهت زمان انجام، مطلق بوده و مشروط به سال واحدی نباشند، مثلاً به این گونه باشد که یکی در سال جاری انجام گیرد و دیگری در سال آینده، چنین صورتی امکان پذیر و بلاشکال بوده و هر دو عقد صحیح است. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱؛ آل عصفور بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۲۷۵؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۷ش، ج ۱۷، ص ۳۹۳؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۵۱)

۳. نظر مختار

حکم مسئله همان است که فقهای عظام به اجماع بیان کرده‌اند؛ ولیکن دلیلی که برای این گفتار ارائه شده مبنی بر اینکه یک حج، ظرفیت بیش از یک نفر را ندارد و لذا یک نفر نمی‌تواند حج بیش از یک نفر را انجام دهد، از نظر عقلی دلیل مقبولی نمی‌باشد؛ زیرا وقتی در حج مندوب و عمره مفرده، یک نفر می‌تواند نیابت بیش از چند منوب‌عنه را در عمل واحد بر عهده گرفته و به انجام رساند، باید در حج واجب هم امکان‌پذیر باشد.

بدین جهت، باید از نص، دلیلی داشته باشیم؛ اصولاً نیابت از چند نفر در عمل واحد، از جمله در حج و عمره - اعم از واجب و مستحب - خلاف اصل است و دلیلی برای آن، مگر در حج مندوب و عمره مفرده نیست؛ اما برای حج واجب، چنین دلیلی نه از عقل و نه از نص وجود ندارد. بنابراین دلیلی که آیت‌الله خوئی بیان نموده است، مقبول‌تر به نظر می‌آید که عبارت است از اینکه عدم‌الدلیل، دلیل عدم جواز است.

تعدد نایب

این مبحث متکفل این بحث است، برای یک منوب‌عنه، آیا جایز است در موسم واحد و یا در وقت واحد (غیر موسم) بیش از یک نفر نیابت وی را در حج و عمره انجام دهند؛ مثلاً دو نفر و یا بیشتر همزمان نیابت منوب‌عنه واحد را بر عهده گرفته و اعمال حج را به نیابت از او به‌جا آورند؟ این مسئله دو صورت که به شرح زیر دارد:

۱. انجام چند عمل منوب‌عنه

فرض این مسئله جایی است که چند نایب بخواهند چند عمل واجب و مستحب منوب‌عنه را انجام دهند؛ مثلاً یکی حج واجب و دیگری حج مستحب و یا یکی عمره مفرده و دیگری عمره تمتع و یا اینکه چند حج واجب متفاوت وی را انجام دهند؛ مثلاً یکی حَجَّةَ الاسلام و دیگری حج مندور را و یا هر دو حج مندوب را آیا انجام آنها توسط نایبان متعدد جایز است یا نه؟

۱-۱. اقوال فقها

در این مسئله، علی‌الظاهر اختلافی بین فقهای عظام شیعه نیست و همگی متفق هستند که نیابت چند نفر در یک موسم و یا در وقت واحد برای یک منوب عنه جایز و صحیح می‌باشد. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ علامه حلی، (بی تا). ج ۷، ص ۱۱۷؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۷ش، ج ۱۷، ص ۳۹۴؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۴۰؛ خوئی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۰۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۲۱) مخالفی برای این قول پیدا نشده است.

۲-۱. دلیل فقها

دلیل این قول، اتصالات روایات است؛ از جمله صحیحۀ محمدبن عیسی: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقْطِينِيِّ قَالَ: بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام رِزْمَ ثِيَابٍ وَغِلْمَانًا وَحَجَّةً لِي وَحَجَّةً لِأَخِي مُوسَى بْنِ عُبَيْدٍ وَحَجَّةً لِيُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَآمَرَنَا أَنْ نَحْجَّ عَنْهُ، فَكَانَتْ بَيْنَنَا مِائَةٌ دِينَارٍ أَثْلَاثًا فِيهَا بَيْنَنَا...» الْحَدِيثُ. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۰۸).

۱-۲-۱. بررسی سندی

این روایت از جهت سند، صحیح و کسی بر آن اشکالی وارد نکرده است؛ زیرا تمام روایان آن، امامی و موثق می‌باشند.

۲-۲-۱. بررسی دلالی

از جهت دلالت، جمله «و آمَرْنَا أَنْ نَحْجَّ عَنْهُ»، دلالت دارد که هر سه حج برای حضرت بوده و به قرینه اینکه امام عليه السلام حج واجب خود را انجام داده یا بعدا انجام می‌دهد، همه آنها حج مندوب بوده است. همچنین پیداست که حج مندوب هم نبوده والا حضرت آن را تعیین می‌فرمود. بنابراین، انجام چند حج مندوب و یا عمره مفرده برای یک منوب عنه توسط چند نایب (حتی همزمان) صحیح است.

۲. انجام یک عمل واجب

اما در جایی که هر دو نایب و یا بیشتر بخواهند یک حج واجب منوب عنه (مثلاً حجة الاسلام یا حج افسادی) را انجام دهند، در این مسئله اتفاقی بین فقها نیست و از آنان دو قول نقل شده است:

۲-۱. قول اول

عمل هر یک از نایب‌ها صحیح است، اعم از اینکه احرام آنها همزمان باشد و یا تقدم و تأخر داشته باشد. همچنین اگر ختم عمل آنان همزمان باشد و یا تقدم و تأخری داشته باشد، در هر صورت نیابت چند نایب برای یک منوب عنه اشکالی ندارد. برخی از فقهای عظام، مانند صاحب عروه (یزدی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۳۷)، آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۲۷۱) و آیت الله جعفر سبحانی (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۶۰) بر این نظر هستند. البته آیت الله جعفر سبحانی معتقد است هنگامی که عمل اولی تمام شود، قصد وجوب برای دومی باقی نمی ماند و وی عمل خود را به عنوان حج تطوع به پایان می رساند، (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۶۰) ولی نظر همه آنها بر جواز و صحت عمل نایبان است.

۲-۱-۱. دلیل قول اول

دلیل این قول، اطلاق اخبار و روایاتی است که دلالت بر جواز تعدد نایب برای منوب عنه واحد دارند؛ مانند صحیحه محمد بن عیسی (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۰۸، ح ۱) که در پیش تر اشاره شد. این روایت - همان گونه که معروف به صحیحه است - از جهت سند، معتبر و قابل اعتماد است و از جهت دلالت، جمله «أَمَرْنَا أَنْ نَحُجَّ عَنْهُ»، اطلاق دارد و شامل حج واجب و حج مندوب می گردد و دلیلی که امام علیه السلام نیست که دلالت داشته باشد امام علیه السلام تنها حج مندوب را اراده کرده باشد وجود ندارد. بدین جهت شامل مانحن فیه نیز می گردد.

حکم این مسئله، همانند نماز جماعت بر میت واحد است که سبق یکی از نمازگزاران موجب ضرر به وجوب بعدی نخواهد بود. به نظر این دسته از فقها معنا ندارد که در پایان کار

نایبان، گفته شود عمل یکی از آن دو صحیح و دیگری باطل است. اگر از ابتدا صحیح بوده، باید تا پایان کار هر دو صحیح باشند.

آیت الله سبزواری جواز آن را بدین گونه تعلیل نمود: «قصد و جوب هر یک از نایبان، راهی است به دستیابی به آن چیزی که در علم الهی است از تفریغ ذمه منوب عنه یا زیادی مراتب قبول و کمال.» (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۲۷۱) به این معنا اگر در علم الله تعالی (یعنی نفس الامر) عمل یکی از نایبان باطل باشد، عمل دیگری موجب تفریغ ذمه منوب عنه می گردد و اگر هر دو صحیح باشد، موجب زیادی مراتب ثواب و کمال عمل منوب عنه می شود. به هر روی، دلیلی برای بطلان عمل وجود ندارد.

۲-۱-۲. نقد قول اول

اولاً روایات نیابت نسبت به این مسئله اطلاق ندارند. در صحیح محمدبن عیسی از شواهد و قراین به دست می آید که امام علیه السلام حج واجب خود را انجام داده بود و استیجار وی از چند نفر، تنها برای حج مندوب بوده است، نه حج واجب. ثانیاً از اینکه گفته شده هنگامی که شروع نیابت نایبان شرعاً صحیح باشد، معنا ندارد که در پایان کار، یکی صحیح و دیگری باطل باشد و باید تا پایان کار هر دو صحیح باشند. پاسخش همان گونه که آیت الله حکیم فرمود (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۷۵)، آن است که در پایان اعمال نایب اول، کشف می گردد که همان اولی مصداق مأمور به بوده و نیابت شخص دیگر، مصداق مأمور به نبوده است. بدین جهت معنا ندارد حج تطوعی برای منوب عنه انجام گیرد؛ زیرا یک حج واجب بر عهده او بود که با انجام آن توسط نایب اول از عهده او ساقط شده است.

۲-۲. قول دوم

اگر نایبان، اعمال حج خود را همزمان به پایان رسانند نیابت هر دو صحیح است؛ لیکن اگر در ختم حج، تقدم و تأخری در بین باشد، آن نایی که عمل خود را زودتر به پایان رساند، عمل او صحیح و عمل نایب و یا نایبان بعدی باطل می باشد.

آیت‌الله محمد تقی آملی (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۲۶۱)، آیت‌الله سید محمود شاهرودی (شاهرودی، بی تا، ج ۲، ص ۹۸)، آیت‌الله سید محسن حکیم (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۷۵)، آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۸۲)، آیت‌الله شیخ جواد تبریزی (تبریزی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۵) و آیت‌الله فاضل لنکرانی (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۲۳) از قائلان این گفتارند.

امام خمینی علیه السلام نیز با اینکه به صراحت حکم به بطلان نیابت دوم نکرده، ولیکن شرطی برای صحت دومی بیان کرده که در صورت عدم تحقق آن شرط، بطلان فهمیده می‌شود و آن، این است که همزمان خاتمه یابد. (امام خمینی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۳۳۹).

۲-۱. دلیل قول دوم

دلیل این قول آن است که با پایان عمل نایب اول واجب انطباق پیدا می‌کند و موردی برای عمل بعدی نمی‌ماند و بدین جهت انطباق با بعدی ممتنع می‌باشد؛ چون واجب تکرارپذیر نیست.

۳. نظر مختار

با توجه به اینکه خداوند در اعمال واجب، تنها یک عمل را از ما طلب می‌کند و تکرار آن را نمی‌خواهد (مثل هر یک از نمازهای یومیه که تنها یک بار باید انجام گیرد و تکرار آن مجاز نیست)، بنابراین قول دوم که معتقد است با انجام عمل واجب منوب عنه توسط یک نایب، جایی برای عمل نایب دیگر نمی‌ماند صحیح است؛ زیرا با پایان یافتن نیابت یکی از نایبان، حج واجب منوب عنه به انجام رسیده و انجام حج دیگر برای وی دلیلی ندارد. روایات نیابت، نسبت به عمل واحد منوب عنه از سوی چند نایب، اطلاق ندارد و صحیحاً محمد بن عیسی نیز چنین اطلاقی ندارد؛ زیرا از شواهد پیداست که امام رضا علیه السلام حج واجب خود را انجام داده بود و این عمل را جهت استحباب و یا جهت کمک به کسانی که امکان حج ندارند، به آنان واگذار کرده بود و یا

می‌خواست با این کار خود، تشویق به حج و گرم نگهداشتن این مراسم معنوی نماید. بدین جهت، در چنین مواردی اصل بر عدم جواز است.

نتیجه‌گیری

در بحث تعدد نیابت در حج، باید آن را به دو گونه تعدد منوب‌عنه و تعدد نایب تقسیم نمود. اگر منوب‌عنه متعدد و نایب واحد باشد، از جهت صحت و بطلان عمل، بین انواع و اقسام حج تفاوت است. به این صورت، در حج مندوب و عمره مفرده به خاطر دلیل خاص، نیابت از چند منوب‌عنه جایز است. در حجة‌الاسلام - اعم از عمره و حج - و حج افسادی، نیابت از چند منوب‌عنه جایز نیست. در حج نذری، تفصیل است بین آنجایی که چند نفر به‌طور مستقل نذر کرده باشند، نیابت واحد یک نایب از آنان باطل است و جایی که چند نفر به‌طور جمعی و مشترک نذر کرده باشند؛ گرچه فرضش نادر است، ولی انجام آن برای نایب واحد جایز است.

فقط از جهت استحقاق اجرت، فرموده‌اند که قرارداد دوم و بالاتر باطل است و اگر نایب چیزی دریافت کرده باشد، ضامن است. اما اگر منوب‌عنه واحد، و نایب متعدد باشد از جهت صحت و بطلان عمل، بین انواع اعمال منوب‌عنه تفاوت است. به این صورت، اگر اعمال منوب‌عنه مختلف باشد، مثلاً یکی حج و دیگری عمره یا یکی واجب و دیگری مندوب و امثال ذلک باشد، اطلاقات روایات دلالت بر جواز عمل دارد؛ اما اگر اعمال منوب‌عنه واحد باشد، مثلاً همه بخواهند حج واجب، یا حج مندوب، یا حج نذری و امثال آن را انجام دهند، در این صورت انجام حج مندوب به خاطر دلیل خاص، جایز است. اما اگر بخواهند حج واجب - اعم از حجة‌الاسلام، حج افسادی و حج مندور - را انجام دهند، دو قول صحت عمل بدون شرط و صحت عمل مشروط به آنکه همزمان به پایان رسانند، از فقها نقل شده است. قول پذیرفته، قول دوم است؛ یعنی در صورتی انجام دو نایب یا بیشتر از یک منوب‌عنه صحیح است که همه آنان اعمال حج را همزمان به پایان رسانند. اگر تقدم و تاخیر در بین باشد، عمل نایبی صحیح

است که اعمال حج را به طور صحیح زودتر به پایان رسانده باشد؛ زیرا عمل وی با واجب انطباق پیدا کرده و موردی برای اعمال بعدی باقی نمانده است. از جهت استحقاق اجرت نیز کسی مستحق اجرت است که زودتر اعمال منوب عنه را به پایان رسانده باشد.

منابع

۱. آل عصفور بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. آملی، میرزا محمد تقی (۱۳۸۰ق). مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، چاپ اول، تهران، مؤلف.
۳. امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۶۶ش). تحریر الوسيلة، چاپ ششم، تهران، مکتبه اعتماد الکاظمی.
۴. تبریزی، میرزا جواد بن علی (بی تا). التهذیب فی مناسک العمرة والحج، بی جا، بی نا.
۵. حکیم، سید محسن طباطبایی (۱۴۱۶). مستمسک العروة الوثقی، چاپ اول، قم، مؤسسه دارالتفسیر.
۶. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۶ق). معتمد العروة الوثقی، چاپ دوم، قم، منشورات مدرسه دارالعلم، لطفی.
۷. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی، چاپ اول، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۸. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴ق). الحج فی الشريعة الإسلامية الغراء، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۹. سبزواری، سید عبدالأعلى (۱۴۱۳). مهذب الأحكام، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنیر، دفتر حضرت آیت الله.
۱۰. شاهرودی، سید محمود بن علی حسینی (بی تا). کتاب الحج، چاپ دوم، قم، مؤسسه انصاریان.

۱۱. شهيد اول، محمدبن مكي عاملی (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية في فقه الإمامية، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
۱۲. شهيد ثانی، زين الدين بن علي (۱۴۱۰). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلانتر)، چاپ اول، قم، كتابفروشی داوری.
۱۳. شيخ حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشيعة، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۴. صاحب جواهر، محمد حسن نجفی (۱۳۶۷). جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، تهران، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامية.
۱۵. علامه حلّی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (بی تا). تذكرة الفقهاء (ط - الحديثة)، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۶. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ق). تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة، کتاب الحج، چاپ دوم، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۷. محقق حلّی، نجم الدين جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعيليان.
۱۸. نراقی، مولى احمدبن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). مستند الشيعة في أحكام الشريعة، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۹. يزدي، سيد محمد كاظم طباطبائي (۱۴۱۲ق). العروة الوثقى، چاپ دوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعيليان.